

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محتوای جامع تبلیغی

ستاد روحانیت

دکتر سعید جلیلی



چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری

فهرست مطالب

- مقدمه: نگاه ما به رئیس‌جمهور..... ۴
- بخش اول: شایستگی‌های جلیلی** ۶
۱. اخلاق و تقوای سیاسی: ۶
۲. توان مدیریتی: ۸
۳. شناخت و شبکه‌سازی ظرفیتهای انسانی برای اداره کشور... ۱۳
۴. دولت سایه ۱۵
۵. اعتقاد به توان مردم و مردمی‌سازی حکمرانی ۱۷
۶. پرکار کم‌خرج ۱۸
۷. انعطاف مدیریتی در چارچوب گفتمان انقلاب ۲۰
۸. داشتن برنامه‌آآماده و مدون ۲۰
- بخش دوم: کارنامه اجرایی** ۲۱
۱. خدمات در وزارت خارجه ۲۱

۲. خدمات در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی ۲۳

۳. خدمات در دولت سایه (۱۳۹۲-۱۴۰۰) ۳۴

بخش سوم: شبهات ۴۲

۱. جلیلی سابقه کار اجرایی ندارد! ۴۲

۲. جلیلی انعطاف ندارد و نمی‌تواند با بقیه تعامل کند! ۴۵

۳. جلیلی مسبب تحریم‌های هسته‌ای! ۴۹

دکتر جلیلی

مقدمه: نگاه ما به رئیس‌جمهور

رئیس‌جمهور؛ مدیر پروژه یا مدیر راهبردی؟

رئیس‌جمهور باید ده‌ها وزارتخانه و سازمان و شورای ملی را اداره کند. طرح‌های ملی هزاران میلیاردی دولت، نظارت ویژه او را می‌طلبد. پس مدیریت او از جنس مدیریت عملیاتی طرح‌های عمرانی نیست. رئیس‌جمهور باید بالاترین قدرت فهم راهبردی را در کل مجموعه دولت داشته باشد. در عین اینکه تمامی حوزه‌های عملیاتی را در چهارچوب آن راهبرد به افراد کاردان بسپارد و بتواند با استفاده از ظرفیت گسترده کارشناسی، جزئیات دقیق برنامه‌ها را نقدوبررسی کند.

قوی‌ترین مدیران عملیاتی شاید به سختی بتوانند ۲۰ طرح همزمان را در یک شهر یا یک منطقه اقتصادی مدیریت کنند. اگر این ۲۰ طرح به ۱۰۰ طرح تبدیل شود، مدیر این طرحها بیشتر از اینکه به صورت بصری با طرحها مرتبط باشد، جدولی از اعداد و ارقام را در پیش رویش می‌بیند.

در این شرایط، طبیعی است که مدیران عملیاتی دچار انفعال شوند؛ چراکه امکان مدیریت مستقیم این موارد به هیچ وجه فراهم نیست.

بنابراین هرچند سابقه مدیریت عملیاتی و اجرای پروژه‌های عمرانی برای رئیس‌جمهور فضیلت است، اما صلاحیت‌ساز نیست. شایستگی رئیس‌جمهور در گرو داشتن مدیریت راهبردی است. رئیس‌جمهور باید:

۱. مسائل کشور را در ابعاد داخلی و خارجی رصد کرده و ارتباط میان آنها را بفهمد.

۲. بخشهای مختلف کشور در قوای سه‌گانه و سایر نهادهای حاکمیتی و مردمی را بشناسد.

۳. بتواند با مدیریت متعادل و همدلانه خود، میان بخشهای گوناگون ارتباط برقرار کند و زمینه‌ای را فراهم کند که امور به افراد کاردان و باکفایت سپرده شود.

بخش اول:

شایستگی‌های جلیلی

۱. اخلاق و تقوای سیاسی:

ایمان و تقوای مسئولان را صرفاً در نماز و روزه و اعمال عبادی فردی آنان نباید خلاصه کرد؛ بلکه میزان را باید الگوی رفتاری افراد در میدان تبلیغات انتخاباتی و در وسط دعوای تند سیاسی قرار داد. البته تقوافروشی عوام‌فریبانه هم وجود دارد؛ لذا باید با ملاکهای عینی به نقد و ارزیابی پرداخت:

- ۱- صراحت و صداقت انتخاباتی به جای وعده‌های عوام‌فریبانه
- ۲- تمرکز بر دیدگاه‌های خود به جای اتهام‌زنی و مچ‌گیری از دیگران
- ۳- وام‌دار نکردن خود به اصحاب قدرت و ثروت در ایام انتخابات

۴- ورود وظیفه‌مداران به انتخابات و خودمراقبتی در تبلیغات

دو نمونه عینی:

۱- در انتخابات مجلس ششم مشهد، گرچه دکتر جلیلی با تخریب برخی جریان‌های سیاسی مواجه شد و رأی نیاورد، اما حتی حاضر به نقد رقبایش هم نشد، چه رسد به تخریبشان. برای تبلیغات خود، یک میلیون تومان هم خرج نکرد، چیزی که با توجه به هزینه‌های مرسوم آن زمان، به شوخی شبیه است. وی حتی حاضر نشد کلمه «جانباز» را در تبلیغاتش بیاورند، حال آنکه محور تبلیغات برخی دیگر، «جانباز جنگ تحمیلی» بود.

۲- در یکی از مناظرات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰، در پاسخ ادعای کذب یکی از نامزدها، درحالی‌که همه منتظر بودند در جوابش بگوید: «دروغ می‌گویید»، حرفش را خورد و گفت: «خلاف واقع می‌گویید»!

۲. توان مدیریتی:

۱-دوری از حاشیه سازی

جلیلی اصرار دارد که آرام و بی‌سروصدا و بدون اینکه اسمی از او بیاید، کارش را انجام دهد. البته که محدودیت قانونی برای مصاحبه و اطلاع‌رسانی ندارد. اما تشخیص خودش اینطور است که کار را باید بدون حاشیه و با آرامش جلو برد؛ چون حاشیه‌سازی کار را خراب می‌کند. در ۶ سال دبیری ایشان در ش.ع.ا.م حتی یک مورد حاشیه و بگومگو بین ایشان با احمدی‌نژاد شنیده نشد. تازه بسیاری از این کارها هم چون سایر دستگاه‌ها در آن مشارکت داشتند، آخر سر به اسم همان دستگاه‌ها تمام شد.

۲- کار با تمام نهادها

جلیلی در زمان دبیری ش.ع.ا.م با سران سه قوه -که اتفاقاً دعوای تندی هم بینشان بود- خیلی راحت کار کرد، بدون اینکه با هیچکدام

دچار اختلاف شود؛ حتی خودش خیلی وقتها کمک کرد که اختلافات حل شود.

۳- وارد نشدن به دعوای سیاسی

در بحث معوقات بانکی اختلاف بود؛ دولت می‌گفت من می‌خواهم پیگیری کنم، قوه قضاییه می‌گفت من می‌خواهم پیگیری کنم. این بحثها به رسانه کشید. قرار شد دبیرخانه ش.ع.ا.م محور کار شود. آقای جلیلی پیشنهاد کردند وزیر دادگستری به‌عنوان چهره مقبول بین دو طرف، تحت نظارت خودشان موضوع را پیگیری کنند و کار بدون حاشیه جلو برود.

سوال: کسی که مبنا و فکر دارد، چطور می‌تواند با همه کار کند؟

ویژگی ش.ع.ا.م این است که منفعتی برای خودش ندارد. کسی که دبیر ش.ع.ا.م می‌شود، خودبخود با یک دید ملی به مسائل نگاه می‌کند. دید ملی یعنی:

۱. نباید منافع خودت یا اطرفیانت را دخیل کنی؛ باید اولویت با «من»

یا «دستگاه من» یا «سازمان من» نباشد.

۲. باید بتوانی در عملت هم این را نشان بدهی. یعنی در برخورد با مسائل کشور هم، منافع فردی و جناحی را دخیل نکنی. حتی اگر جایی به ضررت است، به خاطر حفظ وحدت مقابل دشمن و تبعیت از رهبری کوتاه بیایی.

این شخصیت ملی را شما در دکتر جلیلی می‌بینید؛ هیچ کدام از احزاب سیاسی و جناحی کشور نمی‌توانند مدعی شوند که ایشان در مسائل ملی، ورود جناحی داشته اند یا سیاسی‌کاری کرده‌اند.

۴- مدیریت اقناعی

در دبیرخانه، دکتر جلیلی محور کار را دستگاه تخصصی مربوطه، می‌دانست. یعنی همیشه به شکل مشورتی و مشارکتی و البته با محوریت خود دستگاه مربوطه بحث جمع شود. دکتر جلیلی نمی‌گفت که این حکم ش.ع.ا.م است و هرطور شده باید اجرایش کنی؛ بلکه تلاش می‌کرد آن دستگاه یا آن مدیر را توجیه کند، اهمیت موضوع و جزئیات موضوع را برایش تبیین کند و با خود او به یک تصمیم مشترک برسد.

روش جلیلی، مدیریت اقناعی بر اساس فکر و تصمیم جمعی صاحب‌نظران است، نه تحمیل تصمیم فردی خودش. جلیلی خودش را حامی دستگاه مسئول می‌دانست نه رقیب آن؛ نمی‌خواست کار را به اسم خودش تمام کند.

دو نمونه از مدیریت اقناعی دکتر جلیلی:

۱- **معوقات بانکی:** با اینکه در خود دبیرخانه چند نگاه تخصصی وجود داشت، ولی دیدگاه‌های بانک مرکزی محور اصلی بود و ویرایشها روی طرح آنها انجام می‌شد.

۲- **دیپلماسی اقتصادی:** وقتی تحریمها جدی شد، دکتر جلیلی «دیپلماسی اقتصادی» را در اولویت قرار دادند. سفرای اصلی کشور از ۱۵ کشور مرتبط فراخوانده شدند. بسته‌نهایی که در دبیرخانه شورا برای مقابله با تحریمها تهیه شد، ۵۰ تا ۶۰ درصدش پیشنهاد همین سفرا بود. حرکت‌های خوبی در دیپلماسی اقتصادی توسط همین سفرا انجام شد. ایشان می‌توانست دستوری برخورد کند، اما افراد مرتبط را دعوت کرد، جلسات متعدد گذاشت، نظرات را

گرفت، اصلاح و جمع‌بندی کرد و همان چیزی را ابلاغ کرد که خودشان در آن مشارکت داشتند.

۵- حل مسائل نظام در سطوح مختلف نظام

دکتر جلیلی سالها در «دفتر بررسی‌های جاری» بیت رهبری، یادداشتهای راهبردی و مبتکرانه از جای جای نظام آماده می ساخت که مورد توجه رهبر انقلاب نیز قرار گرفت و این زمینه‌ای شد که بعدها در «دبیرخانه ش.ع.ا.م» و سپس در «دولت سایه» بتواند با توان بیشتری بازوی رهبری در حل مسائل عینی و واقعی کشور باشد.

۶- داشتن فهم عمیق و کاربردی از عرصه بین‌الملل

دکتر جلیلی از معدود سیاستمدارانی است که علاوه بر فهم مبانی و نگاه راهبردی، شناخت عینی و میدانی از ظرفیتهای بین‌المللی کشور دارد و بر خلاف القائات رسانه‌های غرب‌گرا، پیگیر ارتباط نقطه‌زن با «تمام» کشورهای است که بنای دشمنی با نظام اسلامی را ندارند. دکتر جلیلی

معتقد است با زنده کردن ظرفیتهای صادراتی ایران به کشورهای همسایه و نیز کشورهای دوست در نقاط مختلف دنیا کشور از بند تحریمهای تحمیلی چند کشور محدود زورگو رها می‌شود. یکی از جملات معروف ایشان در مناظرات سال ۱۴۰۰ این بود که: «صادرات کنونی ما به افغانستان، ۴ برابر صادرات به ۲۶ کشور اروپایی است و البته همین مقدار، هنوز نصف ظرفیت واقعی است!» مثال دیگر، طرح ۸ سال پیش ایشان برای استفاده از ظرفیت انرژی عظیم باد در استان سیستان و بلوچستان است که همین ایام به بهره‌برداری رسید.

۳. شناخت و شبکه‌سازی ظرفیتهای انسانی

۱- شبکه کارکنان و همکاران ایشان در دولتهای نهم و دهم، به‌ویژه در وزارت خارجه، تجراب ایشان در بیت رهبری، کارشناسان راهبردی دبیرخانه ش.ع.ا.م و شبکه عظیم دانشگاهیان در سراسر کشور، سرمایه و ذخیره ارزشمندی برای مدیریت دکتر جلیلی در مدیریت کشور با مشارکت حداکثری نخبگان فکری و مدیریتی است.

۲- ایشان در وزارت خارجه مدير بازرسی بودند؛ عملکرد و توانایی‌های حرفه‌ای کارکنان وقت وزارت خارجه را چندین بار بررسی کردند که به تصفیة تعدادی از مهره‌های ناکارآمد انجامید.

۳- در مقام معاونت اروپا و آمریکای وزارت خارجه، مسئول بیش از پنجاه سفارتخانه و سگاندار بخش مهمی از دستگاه دیپلماسی کشور شدند و شبکه فعال نیروی انسانی کشور را در عرصه بین‌الملل و در تمام رده‌ها به خوبی می‌شناسند.

۴- پس از ورود به دبیرخانه ش.ع.ا.م نیز عملاً وارد حوزه امنیت ملی و دیده‌بان ارشد نظام شدند و تمام‌قد در مقام حل مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی نظام قرار گرفتند. به واسطه این مسئولیت، ایشان با مسئولین رده یک کشور در سطح وزرا، معاونان، مدیران کل و کارشناسان ارشد تعاملات جدی داشته است. علاوه بر آن، با مسئولان ارشد کشور در دو قوه قضاییه و مجلس نیز همکاری مستمر داشته است. می‌توان ادعا کرد که

ایشان در زمینه شناخت توانمندی‌های فکری و انسانی کشور، چه در داخل و چه در خارج، منحصر به فرد هستند.

۴. دولت سایه

پس از انتخابات سال ۹۲ و آغاز دولت یازدهم، دکتر جلیلی با بهره‌گیری از فرصت مسئولیت در ش.ع.ا.م و مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای راهبردی روابط خارجی، «قرارگاه گفتمان انقلاب اسلامی» را ایجاد کردند تا توان نیروهای متخصص انقلابی در هم ضرب شود. نتیجه این حرکت در قالبی سروشکل یافته و منظم، تشکیل «دولت سایه» بود.

قرارگاه گفتمان انقلاب اسلامی، ظرفیت مجموعه‌های متعدد مردمی و تخصصی در نقاط مختلف کشور را شناسایی کرد و با آنان ارتباط گرفت. در کنار واحدهای ستادی قرارگاه (رسانه، استانی و...)، کارگروه‌های تخصصی در قالب ۳ گروه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شکل گرفتند. اعضای این کارگروه‌ها، ترکیبی از «مدیران باتجربه» و «جوانان متخصص داوطلب، علاقمند و جهادی» از سراسر کشور بوده است که تجربه،

تخصص و توان خود را برای کمک به تصمیم‌گیری بهتر دستگاه‌های حاکمیتی در مسائل مختلف کشور به کار گرفته اند. جالب این است که دکتر جلیلی توانسته این قرارگاه را با کمترین هزینه مالی جلو ببرد.

دولت یازدهم و دوازدهم مسائل معیشتی مردم را به خواست بیگانگان گره زد؛ لذا زمان زیادی از فعالیت‌های دولت سایه به کنترل و خنثی کردن چالش‌های ناشی از برجام، FATF، IPC گذشت.

استفاده از متخصصان در قالب ۴۰ کارگروه تخصصی، ۱۱۱ سفر استانی و بیش از ۱۰۰ بازدید میدانی از مجموعه‌های تولیدی و فرهنگی سراسر کشور، ظرفیت خوبی برای فهم و پیگیری مسائل کشور در مجموعه ایجاد کرده است.

با توجه به سابقه‌ای که ایشان در دولت سایه پشت سر گذاشته‌اند، ویژگی‌های زیر را می‌شود برای ایشان برشمرد که هر کدام، نشان از صلاحیت و توانایی بالای ایشان برای به‌دست گرفتن سکان اداره کشور در وضعیت کنونی دارد:

۱. جوان‌گرایی

۲. نیروسازی برای کشور

۳. تولید برنامه‌ها و طرح‌های متعدد متناسب با وضعیت فعلی کشور

۴. آگاهی تفصیلی از ظرفیتهای موجود

۵. آشنایی با حلقه‌های زنجیره طرح تا اجرا

۵. اعتقاد به توان مردم و مردمی‌سازی حکمرانی

نگاه دکتر جلیلی این است که «باید هر نقطه‌ای از کشور را با آنچه دارد آباد کنیم». وقتی ایشان همین حرف را در سال ۹۲ زد، گفتند کلی است؛ حرکت کرد و هشت سال این حرف را در ۶۰ بخش مختلف و در ۱۱۱ نقطه کشور عینی و عملیاتی کرد.

در سفر دکتر جلیلی به رشتخوار، ایشان به روستای توگبری رفتند که حتی مسئول منطقه هم اسم این روستا را نشنیده بود! این یعنی که دولت سایه، نقشه ایران را روی کاغذ شطرنجی انداخته و ظرفیت تک‌تک

نقاط آن را استخراج کرده و این ظرفیت‌ها را در قالب طرح به هم متصل کرده است.

دکتر جلیلی می‌گوید که دولت به‌جای مداخلات اربابانه که هر کس می‌خواهد هر جای کشور آب بخورد باید از او اجازه بگیرد، باید فضا را دست خود مردم بدهد

راهکار دکتر جلیلی این است که دولت به نهادهای مردمی مسئولیت بدهد و از خودشان هم پاسخ بخواهد و با تخلفات احتمالی برخورد کند. اتفاقاً متشکل شدن نهادهای مردمی، خودش جلو ویژه‌خواری و دلالی را می‌گیرد. مثلاً اگر به تعاونی کشاورزان در تهران غرفه بدهیم، می‌توانیم از خود آنها بخواهیم که بازار را تأمین کنند و کیفیت و قیمت مناسب را هم مطالبه کنیم و بعداً مؤاخذه هم می‌توان کرد.

۶. پرکار کم‌خرج:

دکتر جلیلی در طول سالیان خدمتش وقف نظام بوده است و هر چه مسئولیت ایشان بالاتر رفته است، پرکارتر شده است. همکاران ایشان

گواهی می‌دهند که بیشترین میزان حضور و خدمت در دبیرخانه متعلق به جلیلی است که از صبح زود تا پاسی از شب و نیمه‌شب ادامه دارد.

البته باوجود این پرکاری، ایشان سعی زیادی در بهینه کردن مخارج دارند:

۱- در سفرهای خارجی ایشان هیچ محافظی با خود نمی‌برند و معتقد

بودند که کشور میزبان به اندازه کافی محافظ به کار می‌گیرد و

امنیت کافی هست. البته برخی از مسئولان چنین بنایی ندارند و

تعداد نفرات زیادی از خدمه و محافظ و همراه و کارمند با خود

همراه می‌کنند، آن هم با پروازهای اختصاصی و خدمات VIP.

۲- در سفرهای داخلی و خارجی، دستور اکید ایشان هست که باید

برای ایشان بلیط economy (ارزان قیمت اقتصادی) و عادی

خریداری شود و اصلاً در first class یا business class

نمی‌نشینند.

۳- بر خلاف بنای جاری در ادارات، دکتر حق مأموریت نمی‌گرفتند، نه

در سفرهای داخلی و نه در سفرهای خارجی. ایشان با وجود تعداد

زیاد سفرها و ماموریت‌های خارجی، هیچ‌وقت حقوق دلاری یا یورویی نگرفتند.

۷. انعطاف مدیریتی در چارچوب گفتمان انقلاب

علیرغم واقعیت، دکتر جلیلی را بسیار متهم به عدم انعطاف و توانایی تعامل با دیگران می‌کنند. در بخش شبها به این مسئله خواهیم پرداخت.

۸. داشتن برنامه آماده و مدون

با توجه به فعالیتهای دولت سایه، دکتر جلیلی برنامه مدون و آماده‌ای دارند که برای اجرا هم امکان‌سنجی شده است. در پرونده دیگری به تفصیل به این مسئله پرداخته خواهد شد.

بخش دوم:

کارنامه اجرایی

۱. خدمات در وزارت خارجه

۱- معاونت اروپا و امریکا وزارت خارجه:

۱. راه اندازی خط لوله صادرات گاز ایران به اروپا از طریق تفاهم با

سوئیس

۲. شناسایی ظرفیتهای صادراتی به آمریکای جنوبی و فعال سازی آن در

دولت نهم و دهم که یک بازار بزرگ اقتصادی برای صنایع

ماشین آلات و خانه سازی ایران شد. آنقدر این بازار رونق گرفت که

تراکتورسازی ایران گفت دیگر سفارش نگیرید که ما توان تولید بیش از این را نداریم! جالبتر اینکه پول محصولات پیش‌دریافت می‌شد!

۲- بازرسی وزارت خارجه:

زمانی که دکتر جلیلی در بازرسی وزارت خارجه بود، می‌توانست با سفرهای خوش خارجی و گرفتن حق مأموریت‌های دلاری، ثروت بالایی به جیب بزند. ولی با بررسی متوجه شد که این روش از بازرسی، هرچند برای خود او فواید مالی خوبی دارد، ولی برای مردم ثمرات کمی دارد. لذا با طرحی ابتکاری، قید این درآمد خوب را به نفع بیت‌المال زد. با این روش، ایشان توانست ۱۷ سفیر متخلف را شناسایی و عزل کند. البته همین شجاعت و دقت دکتر جلیلی موجب دشمنی‌های زیادی با او در وزارت خارجه شد که بعدها مانع از انتخاب ایشان به وزارت شدند.

۲. خدمات در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی

۱- ایجاد سامانه کنترل قیمت دلار (۹۱-۹۲)

فرایند واردات در کشور به این شکل است:

۱- ثبت سفارش می شود

۲- در بانک با نرخ قانونی ارز داده می شود

۳- در گمرک جنس تحویل داده می شود.

این چرخه سه گانه در گذشته به هم وصل نبود. لذا مثلا سفارش پرتقال ثبت می شد، ارز گرفته می شد و نهایتا سیب زمینی وارد می شد. معلوم هم نمی شد که ارز از کجا آمده و کجا خرج شده است! این اتفاق باعث شفاف سازی شد و جلورانت و دلال بازی و تورم را گرفت. البته این پورتال در دولت روحانی کنار گذاشته شد و نتیجه هم شد جهش ۷ برابری قیمت ارز!

۲- دور زدن تحریم‌های بانکی (۹۰-۹۲)

دو اتفاق باعث شد اداره کشور در دو سال آخر دولت دهم قفل شود:

۱- اعمال تحریم‌های فراگیر در حوزه‌های اقتصادی و بانکی، بیمه،

نفت حمل‌ونقل و کشتیرانی

۲- اختلافات سیاسی درون دولت

این دو عامل باعث شد که انسجام تصمیم‌ها در مقابله با تحریم‌ها از بین برود. اینجا بود که «ستاد تدابیر ویژه اقتصادی» و «کمیته مقابله با تحریم‌ها» تشکیل شد و دکتر جلیلی به‌عنوان دبیر ش.ع.ا.م با تشکیل جلسات هفتگی، شخصا به بحث مقابله با تحریم‌ها ورود پیدا کرد.^۱ این

۱. نظام جوری وظایف را تقسیم و تشریح کرده که بحث تحریم به‌صورت متمرکز توسط دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی پیگیری شود و نهادهای دیگر هم بنابر موضوعاتی که با آنها درگیر هستند، به‌عنوان عضو و صاحب‌نظر، نظراتشان را مطرح می‌کنند. برای اینکه تصمیم‌گیری‌ها و رصدهای لازم انجام شود، ساختارهایی در داخل دبیرخانه شورا طراحی شده است؛ یکی از این ساختارها ستاد تدابیر ویژه اقتصادی است که یکی از مصوبات شورای

جلسات هر هفته با حضور وزرای اقتصادی و نمایندگان دستگاه‌های امنیتی و سه قوه برگزار می‌شد و ریاست آن بر عهده دبیر شورا بود. از جمله تصمیمات مهم این مجموعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اقدامات مقابله با تحریم‌های بیمه‌ای

۲- ایجاد سامانه پیام‌رسان مالی سپام (جایگزین داخلی سویفت)

۳- حمایت مالی از شرکت‌های کشتیرانی داخلی در مقابله با تحریمها

۴- جایگزین کردن تامین مالی داخلی ارزی پروژه‌های انرژی

۵- اعطای تسهیلات به وزارت صمت برای ذخیره‌سازی کالاهای

اساسی

۶- اعطای تسهیلات به وزارت نیرو برای طرح مه‌آبهای مرزی

عالی امنیت ملی از شش سال گذشته تأسیس این ستاد بود. مصوبات ستاد تدابیر ویژه اقتصادی با حکم تأیید رهبری، مثل مصوبات شورای امنیت ملی، حکم قانون دارد. فقط در حوزه‌ی تحریم، بحث‌های مربوط به تحریم‌های اقتصادی در این ستاد پیگیری و ابلاغ می‌شود و نهایتاً به قانون بدل می‌شود. ریاست آن با معاون اول رئیس جمهور است و فعالیت‌های کارشناسی و فکری آن هم ذیل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تعریف می‌شود.

۷- ایجاد کمیته ویژه تولید داخل برای تولید کالاهای تحریمی

در نتیجه این تلاش‌ها بود که راه‌های دور زدن تحریم پیدا شد و فشار تحریم‌ها تا حد قابل توجهی کاهش پیدا کرد. اگر این مسیر توسط دولت یازدهم ادامه می‌یافت، حتما آثار مخرب تحریم‌ها بر زندگی مردم، کمتر و کمتر هم می‌شد. ولی متأسفانه در مذاکرات ژنو، تمامی این راه‌ها را برای جلب اعتماد طرف غربی بستند.

۳- پیگیری، ریشه‌یابی و برخورد قاطع با فساد ۳۰۰۰ میلیاردی

فساد ۳۰۰۰ میلیاردی پیچیده بود و برخورد با آن صرفاً کار دستگاه قضایی نبود. دبیرخانه ش.ع.ا.م برای کشف ابعاد و ریشه‌های ماجرا، ۱۸ جلسه با حضور تمام دستگاه‌های مرتبط امنیتی و قضایی برگزار کرد. این از معدود پرونده‌هایی بود که هم پول و جریمه‌هایش برگردانده شد و هم مجرمان اعدام شدند.

اما نتیجه مهم‌تر این بود که روشن شد یکی از عوامل مهم بروز این دست مفاسد کلان اقتصادی، نبود تقاطع بین بانک‌های اطلاعاتی است

و در صورت رفع این مشکل، با کمترین هزینه می‌توان از تکرار چنین خسارت‌های سنگینی جلوگیری کرد. نگاه هوشمندانه جلیلی در شفاف‌سازی اطلاعات اقتصادی به‌جای جنجال‌های رسانه‌ای از نکات درخشان کارنامهٔ دکتر جلیلی است.

۴- ارتقای سطح مذاکرات به غنی‌سازی ۲۰%

این بخش که تقریباً ده درصد فعالیت‌های عمده شورای عالی امنیت ملی را تشکیل می‌دهد برجسته‌ترین بخش و در عین حال ناآشنا‌ترین بخش برای مردم است.

تا قبل از مدیریت دکتر سعید جلیلی بر مذاکرات هسته‌ای، بحث سر این بود که آیا ایران می‌تواند سانتریفیوژ داشته باشد یا خیر. ولی با پیگیری‌های دکتر جلیلی و تلاش‌های ایشان، مسیر مذاکرات به جایی رسید که صنعت هسته‌ای ما در عرصهٔ تولید برق و حتی تولید دارو تثبیت شد و بحث بر سر این بود که آیا ایران به غنی‌سازی ۲۰ درصد

(مورد نیاز رادیوداروها) ادامه دهد یا خیر. این یعنی داشتن دست بالا در مذاکرات در برابر دشمن بهانه‌جو.

۵- مدیریت کلان امور امنیتی کشور

در قضایایی همچون دستگیری و بازگرداندن عبدالمالک ریگی به کشور، فتنه ۸۸، جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه، و ایستادگی جبهه مقاومت در مقابله با داعش، دبیرخانه ش.ع.ا.م نقش مهمی در راهبری و هماهنگی دستگاه‌های مختلف داشت.

۱- مقابله با فتنه ۸۸

روشن است که نمی‌توان نقش شورای عالی امنیت ملی را به عنوان بالاترین ستاد امنیتی کشور در کنترل و خاموش کردن فتنه ۸۸ را نادیده گرفت. گرچه به دلیل وجهه امنیتی این مسائل، بازتاب آن به شدت کم و حتی مورد نهی دکتر جلیلی است.

نفوذ سیستم‌های امنیتی بیگانه در وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی و ارتباط برخی معاونین وقت وزارت اطلاعات با سرویس‌های امنیتی خارجی

(درون‌مایه واقعی فیلم قلاده‌های طلا) در کنار عزل وزیر اطلاعات وقت و تنش‌های به‌وجود آمده بر سر تعیین آقای مشایی به‌عنوان معاون اول دکتر احمدی‌نژاد بخش مهمی از ظرفیتهای نظام را به خود مشغول کرد و حواس دولت را از مقابله با فتنه پرت کرد.

در این فضا نقش راهبردی ش.ع.ا.م در به‌کارگیری و هماهنگ کردن بخش‌های فعال نظام برای مقابله با این تهدید بسیار پر رنگ بوده است.

۲- رسیدگی به پرونده کهریزک

زمانی که دکتر جلیلی از ماجرای کهریزک مطلع شد، چنان برخوردهای تندی در پیگیری ماجرا از مسئولان مربوطه کرد که در موضوعات غیر از آن هیچ‌گاه نکرده بود. می‌گفت این موضوع قلب آقا را به درد آورده است. سرانجام هم آقا از ایشان خواسته بودند مسئول بررسی موضوع و رسیدگی به این پرونده و گزارش مستقیم به ایشان باشد. بی‌تعارف و با قاطعیت طی چند ماه موضوع را مورد پیگیری و بررسی همه‌جانبه و ویژه قرار داد و گزارش آن خدمت آقا ارسال شد.

۳- مقابله با شرارتهای گروهک ریگی در منطقه شرق ایران

حجت‌الاسلام مصلحی وزیر وقت اطلاعات تصدیق می‌کنند که دکتر جلیلی با مسئولیت خود تصمیم گرفت جنگنده‌ها به هر قیمتی شده هواپیمای عبدالمالک ریگی را فرود بیاورند و سرلشکر فیروز آبادی تصمیم جلیلی را به نیروی هوایی ابلاغ کرد.

۶- پیگیری تأمین مالی و ذخیره کالاهای اساسی

مدیریت اقتصادی تأمین ذخایر کالاهای اساسی مورد نیاز مردم در شرایط تحریمهای سخت دشمنان که مانع از کمبود کالا و تشکیل صفهای طولانی مرغ و گوشت و سبذ کالا در دولت دهم شد؛ نبود این مدیریت، همین اتفاقات تلخ را در دولت یازدهم رقم زد و تصویر سیاهی را از کشور مخابره کرد.

۷- جلوگیری از هدر رفت آبهای مرزی

دکتر جلیلی برای ریشه‌یابی و حل مسائل مختلف، کارگروه‌های تخصصی را در دبیرخانه ش.ع.ا.م شکل داد. در بررسی‌های یکی از کارگروه‌ها روشن شد که جلوگیری از هدررفت آبهای مرزی، سهم به‌سزایی در کاهش فشار ناشی از کمبود آب در کشور دارد. با تدابیر دکتر جلیلی و همکاری وزارت نیرو، گام مهمی در این مسیر برداشته شد.

۸- افزایش بهره‌وری دفتر دبیرخانه

در زمان دبیری دکتر جلیلی، هزینه‌های دفتر دبیرخانه ش.ع.ا.م به یک‌دهم کاهش یافت، بدون اینکه حقوق و مزایای کارکنان کم شود؛ به‌طوری که به نسبت بودجه اختصاصی در این دوران، کارکنان بیشترین رفاه را تجربه می‌کردند.

۹- برخورد جدی با مساله معوقات بانکی و تهیه لیست بدهکاران

بزرگ

معوقات بانکی در سالهای گذشته در حدود هفتاد هزار میلیارد تومان برآورد شده است. یکی از طرحهای بزرگ دبیرخانه ش.ع.ا.م، کشف و تحلیل این مساله و اخطار به سیستم بانکی کشور بود. دکتر جلیلی مستقیماً در این پرونده وارد شد و در جلسات متوالی، حتی در سطح کارشناسی، موضوع را پیگیری کردند و کارگروه ویژه‌ای برای این موضوع تشکیل دادند. در نتیجه این پیگیری‌ها، تاکنون نزدیک به ده هزار میلیارد تومان از معوقات بانکی بازپرداخت شده است و میزان معوقات بانکی کشور به حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان کاهش یافته و رشد فزاینده آن متوقف شده است.

از جمله نقاط پراهمیت کار دکتر جلیلی در این میان، تلاش برای حل اختلاف میان قوا و هماهنگی میان آنان بود. یکی از این اختلافات، اعلام فهرست ۳۰۰ نفره از سوی رئیس‌جمهور و برخورد دادستان کل کشور در

رسانه‌های عمومی بود که فضای سیاسی را به خود مشغول کرد. دکتر جلیلی با جلسات مداوم در شورای عالی امنیت ملی تلاش کرد این حواشی سیاسی مانع پیشرفت مساله نشود.

اعتماد ویژه نهادهای مختلف حاضر در ش.ع.ا.م (اعم از دولت و قوه قضائیه و مجلس و...) به دبیرخانه، ریشه در حاشیه‌گریزی دکتر جلیلی دارد. رفتار غیرجانبدارانه دکتر جلیلی و عدم تخریب نیروهای بدنه نظام، باعث اعتماد همه جریانهای خودی به ایشان گردیده است. دوره دبیری دکتر جلیلی در ش.ع.ا.م مظهر قدرت مدیریت راهبردی ایشان در صحنه اجرایی کشور است، جوری که می‌تواند بدون هیچ حاشیه‌ای از تمامی ظرفیتهای نیروهای نظام اسلامی بهره برده و تعاملات سازنده‌ای را با قوای دیگر نظام رقم بزند.

دکتر جلیلی

۳. خدمات در دولت سایه (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

۱- ارائه برنامه عملیاتی به دولت آقای روحانی برای جهش فروش نفت به دو میلیون بشکه

در پی خروج آمریکا از برجام و کاهش فروش نفت تا سقف ۱۰۰ هزار بشکه، دولت سایه طرح و برنامه عملیاتی به همراه تیم اجرایی (فروشنده) را برای جهش فروش نفت به ۲ میلیون بشکه، به دولت آقای روحانی می‌دهد. بالاخره در بهمن ۹۹ (یکسال مانده به پایان هشت سال دولت آقای روحانی) خود دولت ناچار شد به برنامه فروش نفت دولت سایه و تیم اجرایی آن توجه کند و در نتیجه آمار فروش روزانه نفت را در بودجه ۱۴۰۰، دو میلیون بشکه به حساب آورد.

ناگفته نماند که دکتر جلیلی قائل است نباید نفت را خام فروخت بلکه باید فرآوری کرد و فروخت تا هم اشتغال ایجاد شود و هم مشکل تحریم به نحو ریشه‌ای حل شود.

۲-زمینه‌سازی ساخت پتروپالایشگاه ستاره خلیج فارس

بعد از گذشت یک سال از ارائه طرح توسط دولت سایه، در تیر ۹۸ برای اولین بار این طرح نفت و گازی توانست مصوبه مجلس را بگیرد و پس از تأمین مالی، برای اولین بار احداث پتروپالایشگاه ایرانی شروع شد. البته دولت قبول نکرد که از صندوق توسعه ملی برای این طرح برداشت کند و لذا در حد ستاره خلیج فارس محدود ماند. در حالیکه اگر دولت قبول می‌کرد، می‌شد تعداد پتروپالایشگاه‌ها را افزایش داد. اگر ۱۰ پتروپالایشگاه داشته باشیم:

۱- نفت تبدیل به صدها و هزاران کالا می‌شود، لذا دیگر قابل تحریم نیست (همانطور که قبل از این در صنایع پتروشیمی مشاهده شد) و بدین ترتیب تحریم‌های موجود بی‌اثر می‌شود و نوسانات ناشی از جو تحریم در بازار ارز را کاهش می‌دهد.

۲- کشور از واردات این کالاها بی‌نیاز می‌شود و موجب کاهش ارزی می‌شود.

- ۳- به دلیل اینکه اساساً محصولات متنوع پتروپالایشگاه‌ها تحریم‌پذیر نیستند، می‌توان آنها را خیلی راحت به کشورهای منطقه صادر کرد. ضمن اینکه در منطقه ما نسبت به این کالاها عطش زیادی وجود دارد و از این طریق، ارزش فراوانی برای کشور حاصل خواهد شد.
- ۴- می‌توان با تشکیل تعاونی‌های خرد، صادرات این محصولات را به ۷ میلیون مرزنشین سپرد و کولبران را به صادرکننده تبدیل کرد.
- ۵- با ارائه سهام این پتروپالایشگاه‌ها، بورس احیا می‌شود، چراکه پرسود است، چون نفت بشکه‌ای ۵۰ دلار را تبدیل به ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ دلار می‌کند.

۳- پیگیری تولید داخلی اسکنرهای ایکس-ری برای ممانعت از

قاچاق در گمرک رسمی

یکی از نیازهای اساسی کنترل واردات کالای قاچاق از مبادی رسمی، نصب دستگاه‌های بزرگ اسکنر (ایکس-ری) است؛ چون نمی‌شود همه محتواهای کانتینرها را خالی کرد و بررسی کرد. دکتر جلیلی با پیگیری

خود توانست یک شرکت اصفهانی را پای کار بیاورد و تولید این دستگاه‌ها را داخلی کند. با این اتفاق، نیاز کشور مرتفع شد و در نتیجه قاچاق از مبادی رسمی محدود شد.

۴- جلوگیری از قطع صادرات برق ایران به افغانستان در ساعات کم‌باری:

چندی پیش آمریکا با تدابیر فنی می‌خواست صادرات برق ایران به افغانستان را قطع کند. هنگامی که این برنامه آمریکا بر ملا شد، دولت سایه راهکارهای مقابله با آن را به وزارت نیرو ارائه داد و با همکاری ایشان، مشکل رفع شد.

۵- داخلی‌سازی تولید صنعتی سلول خورشیدی:

یکی از بهترین منابع تولید انرژی برق، استفاده از سلولهای خورشیدی است. هم واردات این سلولها هزینه سنگینی دارد و هم مواد اولیه تولید این سلولها در داخل موجود است. لذا دولت سایه طرحی را آماده کرد

که به موجب آن تولید داخلی این سلول‌ها در ابعاد صنعتی در آستانه اجراست.

۶- فعال کردن برخی امکانات بدون نیاز به تسهیلات خاص:

در همین سفرهای هشت‌ساله دکتر جلیلی به مناطق مختلف کشور مشخص شد که خیلی از چیزها نیاز به تسهیلات ندارد. مثلاً:

۱- مثلاً بنادر صیادی و تجاری بوشهر چندین سال است که لایروبی نشده و قابل استفاده نیست. دکتر جلیلی این مسئله را پیگیری کرد و ارتش این کار را انجام داد.

۲- در سفری که دکتر جلیلی به مناطق کپرنشین چابهار داشتند متوجه شدند که برخی از مردم منطقه، یارانه نمی‌گیرند. با پیگیری و مطالبه دکتر از سازمان برنامه‌وبودجه، یارانه آنها وصل شد.

۷- کشف مفاسد صید ترال و پیگیری برخورد با آن:

در سفرهای دکتر به استان‌های جنوبی و جلساتی که با اتحادیه صیادان داشتند معلوم شد که فسادهایی در زمینه صید ترال وجود دارد. با پیگیری دکتر جلیلی، رئیس سازمان شیلات برکنار شد و ۲۷ کشتی خارجی توسط سپاه توقیف شد.

۸- افزایش قیمت خرید تضمینی گندم از کشاورزان:

دکتر جلیلی در اولین جلسها بعد از انتخاب آقای روحانی به ایشان پیشنهاد دادند که قیمت خرید تضمینی گندم را از ۵۰۰ تومان به ۱۲۰۰ تومان افزایش دهند. ایشان هم پذیرفتند و نتیجه‌اش افزایش تولید گندم در سال‌های پس از آن شد.

دکتر جلیلی

۹- صدور مجوز صادرات محدود به گوجه‌کاران آبدانی برای نجات

کشاورزان:

در سفری که دکتر جلیلی به بوشهر داشتند متوجه شدند صادرات گوجه ممنوع شده و هزاران تن محصول گوجه‌کاران آبدانی که مازاد بر نیاز داخل بوده، دارد خراب می‌شود. با پیگیری‌های دکتر جلیلی، مجوز صادرات ۶۰ هزار تن گوجه صادر و مشکل گوجه‌کاران حل شد.

۱۰- ۸ سال ارتباط گسترده با تولیدکنندگان، فعالان اقتصادی،

اصناف و کارشناسان در نقاط مختلف کشور

۱- بیش از ۱۱۰۰ جلسه کارشناسی با فعالان اقتصادی، اصناف،

مدیران، متخصصان و نخبگان

۲- ۱۱۰ سفر به ۳۱ استان

۳- ۱۰۰ بازدید از صنایع خرد و کلان در حوزه‌های مختلف خودرو، ساختمان، نفت و گاز، دامپروری، کشاورزی، غذایی، ابزارآلات، داروسازی و ...

۴- حدود ۴۰ کارگروه تخصصی، مانند: معدن، نیرو، خودرو، کشاورزی، شیلات، ارتباطات، حقوق، ورزش، بهداشت و دیگر کارگروه‌های اقتصادی-مدیریتی و نیز کارگروه‌های فرهنگی (آموزش و پرورش، فضای مجازی، زنان و خانواده و...)

دکتر جلیلی

بخش سوم: شبهات

۱. جلیلی سابقه کار اجرایی ندارد!

در پاسخ باید گفت که سه لایه مدیریت به ترتیب اینهاست:

۱. **مدیریت پروژه و مدیریت سازمان؛** مثل مدیری که سد کرخه را

می‌سازد، یا مدیر سازمان غله.

۲. **مدیریت بخش؛** مثل مدیر بخش نیرو، فرهنگ، کشاورزی. این

سطح وزارتخانه است. مدیر بخش باید سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها

را خوب اداره کند که به هدف اصابت کند. مثلا وزیر نیرو باید

خط‌مشی کاهش مصرف برق را خوب مدیریت کند که به نتیجه

برسد. این غیر از پروژه نصب دکل است؛ یا مثلا وزیر نفت باید

خط‌مشی کاهش خام‌فروشی را دنبال کند و صنایع تبدیلی را

توسعه دهد. پس اینکه وزیر نفت گزارش دهد ۲ میلیون بشکه نفت فروخته اشتباه است.

۳. **مدیریت راهبردی؛** این سطح حکمرانی و نظام‌سازی. مثلا نظام آموزش و پرورش را باید جوری طراحی کند که موتور محرک فرهنگ در کشور شود. نظام صنعت را جوری مدیریت کند که به سمت جهش تولید برود. ما برای مدیریت ارشد در لایه حکمرانی، مدیر پروژه می‌گذاریم. اما کشور که فرمانداری نیست؛ رئیس جمهور غیر از مدیر سازمان است. اشتباه تاریخی همین است. رئیس جمهور غیر از وزیر و مدیر اجرایی است. رئیس جمهور باید متفکر باشد و طراحی سیستم بلد باشد.

جدا از اینکه دکتر جلیلی سلسله مراتب اداری را در وزارت خارجه از «رئیس اداره بازرسی» تا «معاون اروپا و آمریکا» در روندی معقول طی کرده و کارآموده شده، اتفاقا بیشتر سابقه ایشان در لایه مدیریت راهبردی بوده است:

۱- در **مجمع تشخیص** بوده است که وقتی مشکلی بین مجلس و

شورای نگهبان به بن بست خورده به آنجا می‌آید یا سیاست‌های

کلی نظام که مجمع هم باید معین و هم بر تحققش نظارت کند.

۲- در **دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی** بوده که وقتی وزارتخانه

مسئله را حل نکرده و کار قفل شده و بحران امنیتی پیش آمده و

مشکل فرابخشی شده، برای حل و فصل به آنجا می‌آید.

۳- در **دولت سایه** که دکتر جلیلی روی سیستم‌سازی تمرکز داشته

است. از وزیر و معاون وزیر، تا مدیران کل، تا مدیران میانی و

میدانی، تا بخش خصوصی، فعال اقتصادی و کارشناسان

اندیشکده‌ای و دانشگاهی و... با همه اینها کار کرده است.

پس سرجمع می‌توان گفت که دکتر جلیلی حداقل ۱۶ سال سابقه

مدیریت در این لایه را دارد.

سوال: آیا کارگردان خوب باید بازیگر حرفه‌ای یا فیلمبردار خوبی باشد؟

جواب: خیر؛ او باید ادبیات فیلمسازی و صدا و تصویر و... را بفهمد،

بازیگر خوب هم بیاورد که نقشش را اجرا کند.

رئیس جمهور هم اگر حکمران و متفکر و نظام‌ساز باشد، وزیر مناسب و مدیر کل و معاون خوب هم بلد است بیاورد. او وقتی یک بخش را توسعه می‌دهد، بخش دیگر را نباید خراب کند؛ مثلا بازرگانی را نباید توسعه دهد و تولید را تعطیل کند! نباید نفت را توسعه دهد و پتروشیمی را خراب کند. این اتفاقی است که بارها افتاده؛ چون مدیران ما نهایتاً بخشی‌نگر بوده‌اند و نگاه فرابخشی نداشته‌اند.

۲. جلیلی انعطاف ندارد و نمی‌تواند با بقیه تعامل کند!

برخلاف این تصویرسازی رسانه‌ای غلط، جلیلی جزو معدود رجل سیاسی است که هیچگاه با عینک سیاست به مسائل علمی و تخصصی نگاه نمی‌کند و از طرف دیگر زمین سیاست‌ورزی‌اش را فراتر از دوگانه‌های مرسوم اصولگرایی-اصلاح‌طلبی تعریف کرده است و دایره مدیران و کارشناسان اطراف ایشان، هیچگاه محدود به حزب و گروه خاصی نبوده است.

۱- در طول سالیان گذشته بارها شاهد بودیم که نظر تخصصی و فنی کارشناسان به اصطلاح اصلاح طلب را به نظرات کارشناسان دفترش ترجیح داده است. خانم دکتر سیما خوش خلق (رئیس پژوهشکده بیوتکنولوژی) از مدیران اصلاح طلب دولت آقای روحانی در تعریف از سعید جلیلی می‌گوید: صاحبان فکر و اندیشه نزد ایشان جایگاه و مقام دارند و دکتر جلیلی هیچگاه سیاست را وارد علم نمی‌کند.

۲- جلیلی در نزدیک به دو دهه تجربه مدیریت کلان کشور، قدرت تعامل خود را با نهادها و شخصیت‌های کشور را -از آقایان روحانی و لاریجانی و آملی و احمدی‌نژاد تا دکتر قالیباف و شهید رئیسی- نشان داده است. نشان به این نشان که با پیروزی روحانی در ریاست جمهوری گفت: «اگر مشکل مردم را بخاطر اینکه دولت دستان نیست حل نکنیم، رذالت است.» و این را در عمل هم ثابت کرد؛ آنجاکه طرح پتروپالایشگاه‌ها را در سال ۹۷ در کارگروه نفت دولت سایه طراحی کردند، در مجلس «لاریجانی» تصویب

کردند و در دولت «روحانی» اجرا کردند! چه قدرت تعاملی از این بالاتر؟! توئیت‌های جلیلی دربارهٔ دستاوردها و نقاط قوت دولت روحانی را می‌توان در فضای همین تعامل‌ها و حل مساله‌ها ترسیم کرد.

۳- عقلانیت و متانت جلیلی را در مناظره‌های ۹۲ و ۱۴۰۰ دیده‌ایم. شخصیتی که از دههٔ هشتاد نمایندهٔ رهبری در ش.ع.ا.م بوده و در برهه‌های حساس می‌توانسته «بگم بگم» راه بیندازد، اخلاق‌مدارانه، سکوت می‌کند، برچسب عدم تعامل به او نمی‌چسبد.

البته تا نباشد چیزکی، مردم نگویند چیزها! جلیلی چارچوب و خط قرمزهایی دارد که در برابر آنها با هیچکس تعارف ندارد و همین هم باعث می‌شود اصلاح‌طلب و اصولگرا از دستش عاصی باشند! چون به هیچکس باج نمی‌دهد: «برخورد با ویژه‌خواری را از جناح خود آغاز می‌کنیم.» به گفتهٔ دوست و دشمن، ایشان کمترین نگاه رابطه‌ای به آدمها ندارد و هر برنامه‌ای که برای بخشهای مختلف کشور دارد، براساس

تخصص و شایستگی‌های افراد است نه عضویت آن‌ها در گروه‌ها و جناح‌ها.

یک شاهد مثال عینی در این مورد:

یکی از سیاسی‌های دانشگاه - که بعدها نمایندهٔ جنجالی مجلس شد - وقتی دکتر جلیلی رئیس بازرسی وزارت خارجه بود، چو انداخته بود که تیم جلیلی بسته است! منظورش این بود که چرا نمی‌آیی دور هم باشیم و پست‌ها را قبضه کنیم و... . جلیلی جواب داده بود: آدم‌ها اول می‌گویند برای پیشبرد انقلاب باید با هم باشیم، بعد تبدیل به باند می‌شوند!

با توجه به این نکات مشخص می‌شود که بخشی از این تصویرسازی توسط کسانی انجام شده که نتوانستند از جلیلی برای پیشبرد اهداف خود سوءاستفاده کنند و با سد محکم بی‌تعارفی او برخورد کرده‌اند و جریان غیرانقلابی هم بر این موج برای تخریب دکتر سوار شده است.

۳. جلیلی مسبب تحریمهای هسته‌ای!

علی‌اکبر صالحی وزیر خارجه اسبق و معاون روحانی و از موثرین مذاکرات برجام (در طیف مخالف دکتر جلیلی) می‌گوید: «در دوره آقای خاتمی که مذاکرات توسط دکتر روحانی پیگیری می‌شد، قرار شد که فعالیتهای هسته‌ای برای شش ماه معلق شود تا اعتمادسازی صورت بگیرد. اما این شش ماه شد یک سال، یک سال شد دو سال و آنها به تعهدشان عمل نکردند! حضرت آقا در اواخر دوره جناب دکتر خاتمی فرمودند که چون آنها ملتزم به تعهدشان نبودند شما هم التزامی نداشته باشید و دستور برگشت به فعالیتهای هسته‌ای را دادند.

تا اینکه دوره آقای جلیلی رسید (سال ۸۶). شما خودتان اگر جای آقای جلیلی بودید، با یک چنین پیشینه‌ای چه انعطافی می‌خواستید به خرج بدهید؟ ما انعطاف نشان داده بودیم، ولی گامی جلو نمی‌رفت؛ زیرا آنها احساس قدرت می‌کردند و فشار می‌آوردند؛ زیرا می‌دانستند ما چیزی در چنته نداریم.

سه قطعنامه در زمان دکتر جلیلی صادر کردند، به خاطر مقاومتی که ایشان به خرج داد. ولی در سال ۹۰ بود که آمریکایی‌ها عمان را واسطه قرار دادند و گفتند که ما حاضریم با شما مذاکره کنیم؛ چرا؟ چون دیدند فایده‌ای ندارد؛ از یک طرف ایران روی حقوق خودش سفت‌وسخت ایستاده و صنعت هسته‌ای ما دارد با قدرت و شتاب جلو می‌رود و ما دوساله از صفر به غنی‌سازی بیست درصدی رسیدیم که حتی خود غربی‌ها باور نمی‌کردند. حالا اگر ما فرض کنیم در زمان آقای دکتر جلیلی رفتار دیگری داشتیم، کار به اینجا نمی‌رسید. بنده هم اگر جای آقای جلیلی مذاکره می‌کردم بعد از دو سال بدعهدی او قطعاً نمی‌آمدم به حرف او گوش بکنم.»

دکتر جلیلی